رئال و ۱۱ بازی سرنوشت‌ساز برای سبقت از بارسا

روز گذشته پدرو سانچس، نخست وزیر اسپانیا مجوز از سرگیری لالیگا و دسته دوم فوتبال اسپانیا را صادر کرد. خبری بسیار خوب برای اسپانیایی ها که می توانند از هشت ژوئن(۱۹ خرداد)بار دیگر شاهد جدال تیم های محبوب شان در زمین فوتبال باشند. در مورد زمان دقیق شروع مجدد بازی ها اتحادیه لالیگا تصمیم گیری خواهد کرد و گفته می شود ۱۲ ژوئن(۲۳ خرداد) زمان ایده آل لالیگا برای شروع مجدد فوتبال است.

شیوع کرونا در اسپانیا باعث تعطیلی لالیگا از اواخر اسفند ماه شد و با از سرگیری بازی ها، هواداران در ورزشگاه ها حاضر نخواهند بود. این اتفاق می تواند به سود رئال مادرید باشد. رئال که با دو امتیاز کمتر از بارسا تیم دوم جدول است، شش بازی خانگی و ۵ بازی دور از خانه را پیش رو دارد. از ۵ بازی دور از خانه، دو بازی در زمین بیلبائو و سوسیداد خواهد بود که همواره بازی های سخت و نفسگیری هستند.

در سه بازی اخیر در سن مامس، رئال تنها یک بار موفق به شکست بیلبائو شده است و امسال برابر رئال سوسیداد در جام حذفی ۴-۳ شکست خورد و یک حذف در خانه غم انگیز را تجربه کرد. سوسیداد از مدعیان جدی کسب سهمیه لیگ قهرمانان محسوب می شود و امسال بسیار خوش درخشیده است. بیلبائو نیز فصل جاری توانسته دو بار بارسا را در خانه شکست دهد و حریف بسیار خطرناکی برای رئال خواهد بود.

در بازی های خانگی نیز رئال یک بازی دشوار برابر والنسیا پیش رو دارد که قطعا برای کسب پیروزی دچار سختی زیادی خواهد شد ولی دیگر بازی های خانگی برابر ویارئال، ختافه، ایبار، مایورکا و آلاوس، قاعدتا نباید بازی های دشواری محسوب شوند. با شروع مجدد لالیگا اولین بازی رئال برابر ایبار و در ورزشگاه دی استفانو خواهد بود. ورزشگاهی که میزبانی ۶ بازی خانگی کهکشانی ها را برعهده خواهد داشت چرا که برنائبو این روزها در دست بازسازی است. تاریخ این بازی هنوز نامشخص است.

رئال سپس در دومین بازی متوالی خانگی خود، میزبان والنسیا خواهد بود و سپس بازی دشوار برابر سوسیداد از راه می رسد. چهارمین بازی در دی استفانو برابر مایورکا خواهد بود و در ادامه، رئال باید به بارسلون برود تا مقابل اسپانیول قرار بگیرد. در ششمین بازی، رئال میزبان ختافه است و سپس سن مامس میزبانی از رئال را برعهده خواهد داشت که بدون شک جدالی سخت مقابل بیلبائو خواهد بود. سپس بازی با آلاوس در مادرید، بازی با گرانادا در زمین این تیم، بازی در دی استفانو برابر ویارئال و در نهایت هفته پایانی دیدار برابر لگانس در ال بوتارکه پایان بخش فصل رئال خواهد بود.

دو مقصد عجیب در انتظار ستاره آرژانتینی یوونتوس

گونسالو ایگواین تنها تا سال ۲۰۲۱ با باشگاه یوونتوس قرارداد دارد و به نظر می‌رسد که هیچ تمایلی از طرف بیانکونری برای تمدید قرارداد با گونسالو ایگواین وجود ندارد؛ موضوعی که باعث شده این بازیکن در آستانه جدایی از یوونتوس قرار بگیرد. از طرف دیگر بعد از شیوع گسترده ویروس کرونا در ایتالیا، گونسالو ایگواین این کشور را ترک کرد و به آرژانتین سفر کرد. اگرچه گفته شد که این بازیکن به دلیل بیماری مادرش که به سرطان مبتلا شده به آرژانتین سفر کرده اما با این وجود چنین اتفاقی حاشیه‌های زیادی را برای ایگواین به وجود آورد.

حالا با توجه به موارد گفته شده به نظر می‌رسد که ایگواین در آستانه جدایی از یووه قرار گرفته و به احتمال فراوان در نقل و انتقالات پیش رو این تیم ایتالیایی را ترک خواهد کرد. روز گذشته بود که این بازیکن از تمایل خود برای بازگشت به ریورپلاته صحبت کردم اما حالا اکسپرس از دو مقصد عجیب برای ایگواین رونمایی کرده است. بر این اساس دو باشگاه لیگ برتری ولورهمپتون و نیوکاسل خواهان جذب مهاجم آرژانتینی یووه شده اند و قصد دارند این بازیکن را به خدمت خود درآورند. حالا باید منتظر ماند و دید که آیا ایگواین بعد از یک تجربه تقریبا ناموفق در چلسی دوباره به لیگ برتر باز خواهد گشت یا خیر؟

لائوتارو در آستانه انتقال به بارسلونا است

لائوتارو مارتینز در باشگاه راسینگ برای خود نامی دست و پا کرد و درخشش در این تیم باعث شد در سال ۲۰۱۸ نراتزوری برای خرید او اقدام کند. حالا لائوتارو مارتینز فاصله ای تا پوشیدن لباس بارسلونا ندارد و ویکتور بلانکو نیز به تمجید از ستاره ۲۲ ساله و آرژانتینی پرداخت. ویکتور بلانکو رئیس باشگاه راسینگ گفت: «احساس می کنم که لائوتارو مارتینز نزدیک انتقال به بارسلونا است، حتی اگر اخیرا با او صحبت نکرده باشم. ما نیز از این انتقال بهره می بریم، همانطور که خوشبختانه ما هنگام فروش به اینتر بلند مدت فکر کردیم و از ۲ میلیون یورو که در آن زمان بسیار وسوسه انگیز بود گذشتیم. ما تصمیم گرفتیم تا درباره آینده لائوتارو قمار کنیم، بدون آنکه بدانیم این اتفاق چه زمانی رخ خواهد داد.»

اینتر در تابستان سال ۲۰۱۸ لائوتارو مارتینز را از ۲۵ میلیون یورو از راسینگ خریداری کرد و او که در این فصل در ۳۱ بازی ۱۶ گل ۴ پاس گل ثبت کرده، نشان داد ارزش پرداخت این رقم را داراست. ویکتور بلانکو در ادامه گفت: «در آن زمان لائوتارو در فوتبال آرژانتین گران قیمت ترین ازیکن بود و اگر انتقال به بارسلونا با ارقام ذکر شده نهایی شود، کار ما را تایید می کند.»

جهنم خونین؛ مرور شب ترسناک یونایتد در ترکیه

تلاش سر الکس فرگوسن برای قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا با منچستریونایتد مانند نوعی داستان حماسی بود که بیش از ۶ سال طول کشید. تلاش های آنها در این راه بالاخره در سال ۱۹۹۹ در نیوکمپ و در آن بازی معروف مقابل بایرن مونیخ به ثمر نشست اما نوامبر ۱۹۹۳، منچستریونایتدِ فرگوسن در یک بازی عجیب مقابل گالاتاسارایِ حذف شد. شاید بتوان گفت آن شب جهنم مسئول برگزاری فوتبال شده بود. جهنم خونین!

سر الکس فرگوسن در کتاب زندگینامه اش در مورد آن دیدار گفت: «یونایتد آن شب در معرض خصومت، آزار و اذیتی قرار گرفت که تاکنون در فوتبال ندیده ام.» گری پالیستر پا را فراتر گذاشت و گفت: «آن بازی وحشتناک بود و هیچ ارتباطی با ورزش نداشت. می توان آن بازی را به عنوان یک ننگ به تمام معنا در فوتبال نامید.»

تعدادی از بازیکنان یونایتد توسط پلیس استانبول مورد حمله قرار گرفتند. چند آجر که از سوی هواداران گالا پرتاب شده بود، نزدیک بود به سر استیو بروس برخورد کند و ۱۶۴ هوادار یونایتد بدون آب و غذا در سلول ها رها شدند و بعد فقط به دلیل تنفس اکسیژن به انگلیس دیپورت شدند اما همانطور که راب هیوز در تایمز نوشت: «آن بازی دودی تند و خشن بود که ما را به سوی یک حقیقت وحشتناک تر می رساند. اینکه یونایتد و فوتبال انگلیس هنوز آماده درخشش در لیگ قهرمانان نبود.»

دیوید لیسی در این مورد گفت: «لیگ قهرمانان به منچستریونایتد نمی رسد و آنها نمایشی در این بازی داشتند که اصلا در حد لیگ قهرمانان نبود.» هیوز در تایمز نوشت: «تیم بهتر با اختلاف برنده شد.» هیوز مک ایلوانی گفت: «بعد از بیش از ۳ دهه که بازی های تیم های انگلیسی در جام باشگاه های اروپا را گزارش می کنم، سخت است به یاد بیاورم یک تیم انگلیسی در زمین حریف انقدر خارج از استانداردها باشد.»

یونایتد حاکم لیگ برتر بود و پس از ۱۳ بازی، با ۱۱ امتیاز اختلاف، صدرنشین شده بود. تصور کلی این بود که حتی با وجود قانون دست و پاگیر استفاده از حداکثر ۵ بازیکن خارجی، آنها می توانند برای کسب لیگ قهرمانان، بارسلونا، میلان و موناکو را به چالش بکشند. در دور اول آنها به راحتی بوداپست هونود را با نتیجه مجموع ۵-۳ شکست دادند و کمتر کسی فکر می کرد گالاتاسارای بتواند مشکلی ایجاد کند. اگر یونایتد در این بازی پیروز می شد، به مرحله یک هشتم نهایی می رسید. جیم وایت در کتاب درخشان خودش «آیا لیورپول را تماشا می کنید؟» نوشت که پیروزی قطعی ترین چیزی بود که می شد برای یونایتد متصور شد.

فوتبال ترکیه از زمانی که برایان رابسون به وست بروموویچ کمک کرد تا در جام یوفای ۱۹۷۸، گالاتاسارای را شکست دهد، راه زیادی پیموده بود و این بهترین شب آنها بود. گالا تیم خوب بود که با درخشش بولنت کورکماز، توگای و هاکان شوکور اداره می شد و آنها همچنین اسکلت تیم ملی ترکیه بودند که توانست به بازی های یورو ۹۶ راه پیدا کند و ۴۲ سال ناکامی را پایان بخشد. با این حال، آنها هنوز فاصله زیادی با سطح اول اروپا داشتند و در ۱۰ بازی اروپایی آن فصل خود، تنها دو پیروزی مقابل کورک سیتی با یک گل به دست آورده بودند.

آنها نیازی نمی دیدند یونایتد را شکست دهند بلکه بیشتر می خواستند حریف را از زدن گل خارج از خانه دور کنند. یونایتد در بازی رفت در اولدترافورد خیلی زود تا دقیقه ۱۴ در نیمه اول ۲-۰ جلو افتاد اما آن آغاز خوب به نظر دلهره آور بود. فرگوسن در این مورد گفته بود: «کنترل خشم ما باعث خودسوزی شد». قبل از آنکه بفهمند، ۳-۲ عقب افتاده بودند و در آستانه اولین شکست اروپایی در اولدترافورد قرار گرفتند اما اریک کانتونا در دقیقه ۸۰ گل تساوی را به ثمر رساند. البته اتفاق مهم نیمه دوم همچنین به خاطر حواشی پیتر اشمایکل هم جالب توجه بود. او به اشتباه فکر کرده بود یک نفر پرچم یونایتد را می سوزاند و باعث ایجاد جنجال شد. در نهایت بازی ۳-۳ به پایان رسید و دو تیم قرار بود در استانبول بازی برگشت را برگزار کنند.

در فرودگاه منچستر، مربی آلمانی گالاتاسارای، رینر هولمن با برقی در چشمانش گفت: «آنها در فرودگاه منتظر شما خواهند بود.» بنابراین همین اتفاق هم افتاد. صدها هوادار گالا در فرودگاه شعار می دادند. روی یکی از بنرها نوشته بود: «به جهنم خوش آمدید!» و روی دیگر نوشته شده بود: «این آخر راه است.» البته مشخص نکرده بود که منظورش حذف یونایتد از اروپا یا پایان زندگی بازیکنان این تیم است! یکی از هواداران خودش را نزدیک پل پارکر رساند و خیلی واضح به او گفت: «تو می میری.» واکنش ها به این خوشامدگویی خشن متفاوت بود. بعضی ها خندیدند و رد شدند و بعضی ها واقعا نگران بودند. وقتی از فرگوسن پرسیدند از این استقبال ترسیده یا خیر، گفت: »شما احتمالا تاکنون عروسی های گلاسکو را ندیده اید.

به هر حال، خصومت و دشمنی واضح بود. وقتی یونایتد به هتل زیبایش رسید، پالیستر به عنوان نفر آخر پشت تیم حرکت می کرد و زمانی که به پسر پیشخدمت هتل لبخند زد، آن پسر دستش را روی گردنش کشید (به نشان تهدید- سر بریدن). مطبوعات استانبول هم کم نگذاشتند: «زنده باد ترکیه»، «باید تمامش کنید»، «خواهیم دید چه کسانی له می شوند». بعد از بازی هم عباراتی مانند «ترکیه سوار انگلیس شد».

روز بازی، اکثر تماشاگران ۸-۹ ساعت زودتر از آغاز بازی در استادیوم بودند. وقتی دو ساعت قبل از سوت آغاز، یونایتد به زمین رفت تا شرایط را ببیند، صدا و شعارهای تماشاگران گوش خراش بود. گری نویل در این مورد گفت: «باورنکردنی ترین صدایی بود که در زندگی ام دیده بودم.»

نویل در آن زمان ۱۸ ساله بود و تنها یک بار از ابتدا برای یونایتد بازی کرده بود. شعارها کاملا سازمان یافته و منظم بود. یک سمت ورزشگاه چیزی می گفت و سمت دیگر ادامه آن شعار را می گفت. یونایتد در واقع تیم سرسختی بود و بازیکنانی مانند اشمایکل، بروس، پالیستر، پل اینس، روی کین، مارک هیوز و کانتونا داشت که برای دعوا چیزی کم نداشتند اما آنها هرگز چنین جوی ندیده بودند. پالیستر گفته بود: «جو آنفیلد در برابر آن جو استانبول مثل مهمانی چایی خوری بود!» پالیستر بازی را به دلیل مصدومیت از دست داد و با توجه به محدودیت استفاده از بازیکنان خارجی، فرگوسن باید تصمیم سختی می گرفت. او باید یکی از بین اشمایکل، کانتونا، گیگز، دنیس اروین، روی کین و مارک هیوز را بیرون می نشاند. در کمال تعجب برای همه کارشناسان، فرگوسن تصمیم گرفت هیوز را به میدان نفرستد.

بازی در یک کلام زشت و متعفن بود. گالاتاسارای به شدت یارگیری نفر به نفر را در دستور کار داشت و وقت تلف می کرد. البته این هم را اشاره نکنیم که یونایتد به شدت غیرمنسجم و بی تفکر بازی می کرد و حتی در خلق یک موقعیت گل هم قاصر بود. لی شارپ یک گل مردود به ثمر رساند اما بهترین موقعیت برای گالا به دست آمد که با سوپرسیو اشمایکل مقابل هاکان به گل تبدیل نشد. گالا کاملا شایسته آن بود که جلو بیفتد. روی کین در زندگینامه اش با اشاره به این بازی گفت: «آنها سرسخت و مکار بودند. با هر برخورد کوچکی آنها روی زمین بودند.»

قبل از آنکه یونایتد خودش را در زمین پیدا کند، بازی تمام شده بود. شایعه شده بود که بازیکنان و مربیان یونایتد فکر می کردند در جام باشگاه های اروپا هم قوانین مانند لیگ کاپ انگلیس خواهد بود و قانون گل زده در خانه حریف، به جای آنکه در پایان ۹۰ دقیقه محاسبه شود، بعد از دو وقت ۱۵ دقیقه اضافه لحاظ خواهد شد. به هر حال آنها گل نزدند. فرگوسن بعد از بازی گفت: «برای این عملکرد افتضاح، نمی توانیم هیچ بهانه ای بیاوریم و من هم وقتم را برای پیدا کردن یک بهانه تلف نمی کنم. از دیدن بازیکنانی که پس از یارگیری بازیکنان حریف کاملا آشفته می شدند، دپرس می شوید.» کانتونا بعد از بازی گفت: «گالاتاسارای تیم کوچکی است اما امروز منچستریونایتد این چنین بود.»

کانتونا خیلی قبل تر از سوت پایان بازی کنترل اعصاب خودش را از دست داد. در دقیقه ۷۷، زمانی که بازیکنان گالاتاسارای برای پرتاب اوت دستی وقت کشی می کردند، او با پا توپ را درون دست های دروازه بان ذخیره گالا زد و بعد با آرنج به قفسه سینه او زد. داور سوئیسی بازی، کورت روتلیبرگر، می توانست آنجا حتی کانتونا را اخراج کند. در پایان بازی، کانتونا توپ را مقابل داور با تمام قدرت به آسمان زد تا اعتراضش را به او نشان دهد.

کورت روتلیبرگر، یک معلم زبان فرانسه بود. او در سال ۱۹۹۷ به دلیل رشوه خواری به طور مادام العمر از داور محروم شد و پس از محرومیت او، صحبت ها در مورد این بازی هم زیادی به میان آمد اما هرگز چیزی ثابت نشد. حقیقت این است که شاید هر داور دیگری هم بود، گالا صعود می کرد. در واقع در پایان بازی، مشکلات بزرگتری برای نگرانی وجود داشت و آن با پلیس های ورزشگاه بود. برایان رابسون در زندگینامه اش گفت: «به محض آنکه سوت پایان بازی زده شد، در چشم های اریک دیدم که خیلی عصبانی است.» رابسون، کانتونا را گرفت و در کنار یک پلیس، او را به سمت تونل ورزشگاه بردند تا از زمین خارج شود. رختکن در زیرزمین بود اما آنجا بود که اتفاقات عجیبی افتاد. رابسون می گوید: «من فقط می خواستم از پلیس ها تشکر کنم که ناگهان دیدم یکی از آنها با مشت اریک را زد. اریک چند پله به پایین افتاد و بنابراین من برگشتم تا به پلیس مشت بزنم. تا مشت زدم، یک سپر پلیس به شدت به کمرم برخورد کرد. زمین خوردم و چند پله به پایین افتادم و آرنجم محکم به دیوار برخورد کرد. اریک می خواست بلند شود، بالا بیاید و بجنگد اما بقیه بچه ها رسیدند و ما را آرام کردند.»

آرنج برایان رابسون به ۶ بخیه نیاز داشت. پارکر و اشمایکل هم بعد از برخورد با پلیس به پایین پله ها پرتاب شدند. پارکر بعد از بازی گفت: «من دیگر هرگز به ترکیه نخواهم آمد. هرگز!» بازیکنان یونایتد آغازگر آن جنگ عجیب نبودند اما چندان آرامش طلب هم نبودند. بروس گفت: «چند نفر از بازیکنان ما می توانستند در دعوا از عهده خودشان بر بیایند. ما هر چقدر توانستیم کتک زدیم!» پس از رفتن به رختکن، بازیکنان یونایتد بسیار عصبانی بودند. روی کین در زندگینامه اش می گوید: «در رختکن اریک دیوانه شده بود اما بقیه ما فقط می خواستیم از آنجا برویم. اریک مصمم بود به زمین برگردد و حساب آن پلیس گستاخ را کف دستش بگذارد. اریک پسر گنده و قدرتمندی بود. او جدی بود که این کار را انجام دهد. اصرار داشت برود و می گفت: «می خواهم آن عوضی را بکشم» برایان کید، دستیار مربی و بقیه بچه ها نگذاشتند بالا برود. به طور عادی من هیچوقت در دعوا عقب نشینی نمی کردم اما حتی من هم مقابل این یکی کوتاه آمده بودم. ترک های زیادی آن بیرون بودند!»

فرگوسن بعد از بازی گفت: «خشونت پلیس حتی از هواداران ترک هم بیشتر بود.» قضیه آنجا تمام نشد. اتوبوس یونایتد در راه بازگشت به هتل هدف آجر قرار گرفت. یکی از آجرها دقیقه مقابل سر بروس، شیشه اتوبوس را شکست اما خوشبختانه به درون اتوبوس پرتاب نشد: «اگر به داخل افتاده بود، من مرده بودم. آن اتفاق می توانست همه چیز را تمام کند.»

در این بین، هواداران منچستریونایتد هم حضور داشتند که از انگلیس آمده بودند و می خواستند به شهرشان برگردند. واقعا آنها هیچ کار اشتباهی نکرده بودند. شب قبل از بازی، صدها نفر از آنها در اطراف شهر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بعضی از آنها به زندان Bayrampasa افتادند. بعضی از آنها حتی یک ماه بعد از آن بازی نتوانسته بودند به خانه برگردند و متاسفانه تمام این اتفاقات توسط مقامات پوشیده می شد. مدت ها طول کشید تا آن اتفاقات از سر بازیکنان بیرون برود.

ریچارد کورت در این مورد می نویسد: «فقط به فیلم لحظه ورود بازیکنان به زمین بین دو نیمه نگاه کنید تا آن فقر فرهنگی را در ترکیه ببینید و تا جایی که من می دانم، این نامش ورزش نیست. فقط کاری که آنها با هواداران کردند، نشان می دهد که چرا آنها از جام های بین المللی دور هستند و به نظر من آن کشور نباید هیچ بازدید کننده ای داشته باشد.» وقتی چند روز بعد از فرگوسن پرسیدند که آیا خوشحال است از ترکیه بازگشته، پاسخ داد: «اوه! شک نکنید. دیگر هرگز به آنجا نمی روم.» در واقع فرگوسن یک سال بعد دوباره به آنجا رفت و بازی در شرایطی کاملا متفاوت ۰-۰ شد. شاید باید زیادی خوشبین باشیم که بخواهیم حتی یک نکته مثبت از آن شب ذکر کنیم اما آن فیلم ترسناک ۱۹۹۳، نقش مهمی در تحصیلات بازیکنان جوان یونایتد در اروپا داشت. گری نویل که چند دقیقه پایانی برای پرتاب بلند اوت دستی به زمین رفت در این مورد گفت: «در آن دقیقه، بیش از ۲ سال حضورم در فوتبال درس گرفتم.»

گری نویل تنها بازیکن بی تجربه آن تیم نبود. تمام آن تیم جوان یاد گرفتند که باید مقابل یارگیری نفر به نفر خشن حریف چه کار کنند. یاد گرفتند که باید در وسط زمین نظم داشته باشند. همچنین یاد گرفتند جو خانه حریف می تواند چقدر وحشتناک باشد و باید آن را هضم کنند. یونایتد فقط به جهنم نرفت، آنها همچنین به یک مدرسه رفتند.

جولین برنت؛ آلمانی‌ای که تفاوت‌ها را رقم می‌زند

علی کمانگری

دومین هفته‌ی کرونازده‌ی بوندسلیگا با پنج مسابقه کلید خورد که در یکی از این مسابقات، تیم‌های دوم و ششم جدول رده‌بندی در «فولکس واگن آرنا»ی منطقه‌ی «لوئِر سَکسِنی» به مصاف هم رفتند. ولفسبورگ متحول‌شده‌ی اولیور گلسنر بعد از هفت دیدار شکست‌ناپذیری، میزبان دورتموند لوشین فاوره‌ای بود که برای حفظ تمام و کمال جذابیت دربی سه‌شنبه‌ی «دِرکلاسیکر»، هر سه امتیاز این بازی را می‌خواست. زنبورها بدون تغییر نسبت به دیدار قبلیشان در دربی «رِویر» پای به این دیدار گذاشته بودند، اما گرگ‌ها سه تغییر را در ترکیب برنده‌ی هفته‌ی قبل می‌دیدند. مهم‌ترین این تغییرات به نیمکت‌نشینی جوزپ بریکالو، ملی‌پوش کروات ۲۱ ساله‌ی ولفسبورگ برمی‌گشت که روی ۲۰٪ از گل‌های این فصل تیم، تأثیر مستقیم گذاشته است.

مسابقه تا حدودی تحت تأثیر خبر جدایی زننده‌ی گل قهرمانی آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴ هم قرار داشت. ماریو گوتزه، «پاولِفه»ی محبوب سکوهای سیگنال ایدونا پارک که بعد از مصدومیت شدیدش هرگز نتوانست به آن فوتبالیست سابق تبدیل شود. خبری که بعد از مسابقه توسط سران دورتموند هم رسماً تأیید شد.

ولفسبورگ برای در امان ماندن از پرسینگ بسیار شدید دورتموند و سرعت عمل مهاجم‌های این تیم در استفاده از توپ‌های بازپس‌گرفته شده، طراحی حمله‌ای از عقب زمین نداشت و دروازه‌بان و مدافعان این تیم روی به بازی مستقیم آوردند. استفاده از این حربه باعث شد تیم گلسنر برخلاف شالکه از این مسئله آسیب نبیند. اما آن‌چه گلسنر همانندَ دیوید وگنر، سرمربی شالکه، فکری به حالش نکرده بود، مهار مهره‌ای به نام جولین برنت بود. این هافبک آلمانی که روی سه گل از چهار گل دیدار با شالکه تأثیرگذار بود، در این مسابقه هم به شکل غیر مستقیم تأثیر خودش را روی گل اول دورتموند گذاشت.

برنت بازی را به عنوان مهاجم چپ آغاز می‌کند، اما در واقع او بازیکن شماره ۱۰ دورتموند است. مردی که باید همیشه گزینه‌ی پاس هم‌تیمی‌هایش باشد. مردی که می‌تواند به همه جای زمین سرک بکشد، پس می‌تواند نظم دفاعی تیم حریف را برهم بزند و در هر سمتی از زمین که خواست، برای دورتموند برتری عددی ایجاد کند. حال صحنه‌ی گل اول دورتموند را بررسی می‌کنیم؛ هوملز با کاپیتان پیشچک بازی می کند، پیشچک دلینی را صاحب توپ می‌کند، اشرف که جای خود را با تورگان عوض کرده، با اشاره‌ی دست به دلینی می‌فهماند که در سمت راست دلینی، آزار قرار دارد، دلینی هم توپ را به همان جا می‌برد. بلافاصله با صاحب توپ شدن آزار، جابه‌جایی‌ها سرعت می‌گیرد. برنت که مثل روحی سرگردان به هر سمتی می‌رود، سریعاً روی دست آزار می‌آید و بروکس، مدافع میانی ولفسبورگ را با خودش می‌کشاند. حربه‌ی برنت جواب داده است. او حالا یک مدافع ولفسبورگ را در تله‌ی خودش گرفتار کرده است و فضا را برای هم‌تیمی‌هایش ایجاد. برنت یک دور کامل می‌زند، آزار در این حین روی دست برنت می‌آید و مدافع چپ ولفسبورگ را به خود مشغول می‌کند. حال اشرف فضایی بسیار مناسب برای نفوذ به خط دفاعی دارد که دو نفر از چهار نفرش بیرون از محوطه‌ی جریمه مشغول یارگیری هستند. پس برنت با دید عالی‌اش اشرف را صاحب توپ می‌کند، پاس اشرف به هم‌تای خود در سمت مخالف تیر می‌سد و تمام. گوئریرو دورتموند را پیش انداخته است. اتفاقات تا حدودی شبیه گل اول به شالکه است. جایی که باز هم پیشچک از راست حمله را آغاز کرده بود، سعی کرده بود برنتِ منتقل‌شده به راست را صاحب توپ کند، برنت هم با فضاسازی عالی‌اش، تورگان را با توپ تنها گذاشت و بعد هم ارسال تورگان و ضربه‌ی هالند.

به واقع انتقال برنت از چپ به راست، خودبه‌خود دفاع حریف را مجبور می‌کند از بین مثلث او، آزار و اشرف، یکی را بدون یار بگذارد، زیرا از قبل تعیین شده که دفاع چپ حریف، آزار را مهار کند و هافبک چپ هم اشرف را، اما حالا و با اضافه شدن برنت به این فضا، یک موقعیت دو در برابر سه ایجاد شده است که فروپاشی ساختار دفاعی حریفان از همین‌جا کلید می‌خورد. این مهم‌ترین دلیل نیمکت‌نشینی‌های این روزهای جیدِن سانچو است. او نمی‌تواند نقش یار آزاد را مثل برنت بازی کند و بیشتر متمایل به راست است. فاوره اما در این دو دیدار از برنت در این پست استفاده کرده است و بعد از ایجاد برتری اولیه برای دورتموند، سانچو به میدان می‌آید تا روی توپ‌گیری‌های دلینی و سرعت مرگ‌بار او در ضد حملات، دورتموند برتری‌اش را تثبیت کند.

حال باید دید برای مصاف فوق‌العاده حساس روز سه‌شنبه مقابل بایرن‌مونیخ متوحل شده، فاوره باز هم برنامه‌اش استفاده از برنت است یا قصد او به عقب نشستن و به‌کارگیری فوتبال «ری‌اکتیو» است. اگر فاوره ابن برنامه را در سر بپروراند، شاهد حضور سانچو و استفاده از سرعت او در ضد حملات خواهیم بود، اما اگر قصد اجرای بازی مالکانه را داشته باشد، احتمالاً برنت انتخاب اولش باقی می‌ماند.

افشای مذاکره بارسلونا با پوچتینو در لندن

ارنستو والورده پس از شکست بارسا در نیمه نهایی سوپرکاپ برابر اتلتیکو از کار برکنار شد. سران بارسا حتی قبل از رسمی شدن اخراج والورده به قطر رفته و مذاکرات با ژاوی را شروع کردند اما اسطوره بارسا به پیشنهاد مربیگری پاسخ منفی داد. گزینه های بعدی، رونالد کومان و مائوریسیو پوچتینو بودند. اولی به دلیل تعهدش به تیم ملی هلند پاسخ منفی داد و دومی هم عنوان کرد که هرگز هدایت بارسا را قبول نخواهد کرد.

پوچتینو سال ها سابقه بازی و هدایت اسپانیول را داشت و پیش از این هم چند بار تاکید کرده بود که هرگز مربی بارسا نخواهد شد با این حال طبق ادعای مارکا، پس از پاسخ منفی ژاوی و کومان، هیئتی از بارسا راهی لندن شدند تا با پوچتینو و دنیل لِوی مالک تاتنهام مذاکره کنند. تا قبل از ۲۰ می ۲۰۲۰، آینده پوچتینو با وجود اخراج از تاتنهام در دستان مالک این باشگاه بود. مذاکرات شکست خورد چرا که پوچتینو بار دیگر تکرار کرد که هرگز هدایت بارسا را قبول نخواهد کرد. پوچتینو اما حالا آزاد است تا با باشگاه های خواهانش وارد مذاکره شود؛ بدون اینکه نظر مالک تاتنهام اهمیتی داشته باشد. این باشگاه البته قطعا بارسا نخواهد بود.

اخبار

دو تاریخ جدید برای از سر گیری سری‌آ

در حالی که اخیراً فدراسیون فوتبال ایتالیا و اتحادیه لیگ این کشور به طور مشترک اعلام کردند بازی‌های باقیمانده فصل جاری سری A ایتالیا از روز شنبه ۱۳ ژوئن (۲۴ خرداد) پیگیری خواهد شد، حالا خبر می‌رسد این بازی‌ها ممکن است با یک هفته تأخیر آغاز شود. تمامی رویدادهای ورزشی ایتالیا از جمله سری A از تاریخ ۹ مارس (۱۹ اسفند) به دلیل شیوع گسترده ویروس کرونا در این کشور به حالت تعلیق درآمده‌اند. فدراسیون فوتبال ایتالیا هم اعلام کرده است، فصل آینده (۲۱-۲۰۲۰) باید از تاریخ اول سپتامبر (۱۱ شهریور) آغاز شود و تیم‌ها تا ۳۱ مرداد ماه وقت دارند فصل جاری را به اتمام برسانند. وینچنزو اسپادافورا، وزیر ورزش ایتالیا در گفت‌وگو با برنامه «TG۳» از شبکه تلویزیونی «رای» ایتالیا، گفت: ما در حال حاضر روی دو تاریخ احتمالی برای از سرگیری بازی‌های سری A کار می‌کنیم که ۱۳ ژوئن (۲۴ خرداد) یا ۲۰ ژوئن (۳۱ خرداد) هستند. وی افزود: پروتکل پزشکی اصلاح شده برای از سرگیری فصل جاری به دست‌مان رسیده که خیلی شبیه به آن پروتکلی است که برای از سرگیری تمرینات مورد تأیید قرار گرفته است. روز پنجشنبه هم درباره از سرگیری مسابقات سری A و زمان آغاز بازی‌ها تصمیم‌گیری خواهیم کرد.دولت ایتالیا برگزاری هرگونه ورزش گروهی و رقابتی در این کشور را تا تاریخ ۱۴ ژوئن (۲۵ خرداد) ممنوع اعلام کرده، اما اگر از شمار مبتلایان به ویروس کرونا در این کشور کاسته شود، برگزاری بازی‌ها زودتر از این تاریخ امکان‌پذیر است. تاکنون ۲۲۹ هزار و ۸۵۸ نفر در ایتالیا به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند که در این بین متأسفانه ۳۲ هزار و ۷۸۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند. ایتالیا در حال حاضر در رده ششم دارای بیشترین شمار مبتلایان به این ویروس قرار دارد.

تفاوت‌های مربیگری فرگوسن و فان‌خال از زبان گیگز

رایان گیگز، اسطوره باشگاه منچستریونایتد، در مورد تفاوت سبک مربیگری سرالکس فرگوسن و لوئیس فان خال صحبت کرد. گیگز که در حال حاضر هدایت تیم ملی ولز را برعهده دارد، تقریبا تمام دوران حرفه ای اش را زیر نظر فرگوسن سپری کرد و ۱۳ قهرمانی در لیگ برتر و دو قهرمانی در چمپیونزلیگ به دست آورد. در سال ۲۰۱۴ و بعد از اینکه لوئیس فان خال هدایت منچستریونایتد را برعهده گرفت، گیگز به عنوان دستیار او انتخاب شد. اما این مربی هلندی تنها دو سال هدایت شیاطین سرخ را برعهده داشت و در این مدت انتقادهای زیادی از سبک بازی تیم او شد. وین رونی، کاپیتان آن زمان منچستریونایتد، به تازگی از فان خال به عنوان بهترین مربی دوران حرفه ای اش از بعد تاکتیکی نام برد. گیگز اعلام کرد که نظر رونی را درک می کند اما معتقد است که کار کردن زیر نظر این مربی هلندی، بسیار پیچیده تر از دوره فرگوسن بود.او به سایت اختصاصی باشگاه منچستریونایتد گفت:» آنچه وین گفته را درک می کنم. هر دو ما زیر نظر فرگوسن کار کردیم؛ مربی ای که من از ۱۳ سالگی می شناسم. سرالکس همه چیز داشت- مدیریت نیروی انسانی، نظم، استاندارد کاری، تاکتیک، شناخت بازیکنان اما در زمان او، ما بازیکنان خوبی داشتیم که مدت ها در کنار هم بازی کرده بودند و فقط باید به زمین می رفتیم و بازی می کردیم. شما نقش تان را می دانستید. با فان خال احتمالا برعکس این بود. ما زیر نظر او، با سیستم هایی متفاوت از دوره فرگوسن بازی می کردیم. در دوره فرگوسن تقریبا با یک سیستم بازی می کردیم. یادم نمی آید در دوره فرگوسن، با سه مدافع بازی کرده باشیم؛ شاید یک یا دو بار اگر نیاز به حفظ نتیجه بوده اما در غیر این صورت، از این سیستم استفاده نکردیم. مسئله وین، درک سیستم های مختلف بود زیرا فان خال در تمرینات خیلی بیشتر روی الگوی بازی و کارهای تاکتیکی، کار می کرد.»

ما اصرار نداشتیم، خودت پشت میکروفون رفتی!

قبل از هر چیز این بخش از مصاحبه نیکبخت واحدی را بخوانید: «روز اولی که من به پرسپولیس پیوستم، شاید یک سنگ بزرگ برای پرسپولیس گذاشتم. چون آن زمان یک بازیکن تاپ بودم و من را می‌خواستند. استقلال هم مرا نمی‌خواست. یک روز مانده به نقل و انتقالات به من گفتند که تو را نمی‌خواهیم. همین که من از در باشگاه استقلال بیرون آمدم تلفنم زنگ خورد. آقای محسنی، مدیر برنامه‌های آقای آری هان بود که به من زنگ زده بود. گفت که آقای آری هان به تو نظر دارد و من همان روز به باشگاه پرسپولیس رفتم و قرارداد بستم. فردای آن روز از ترس اینکه با پرسپولیس قرارداد بستم، یک هفته از تهران خارج شدم و به کیش رفتم و تنها اخبار را می‌خواندم. جرات نداشتم که بیرون بروم. آن زمان معمول بود که یک قرارداد می‌بستی و پس از آن با یک تیم دیگر به توافق می رسیدی اما بعد که گذشت، فهمیدم قضیه جدی است و راه برگشتی وجود ندارد.» در همان یکی دو خط اول معلوم است که استاد نیکبخت چون دقیقا می‌دانسته که با رفتن به پرسپولیس، دارد چه کاری انجام می‌دهد سنگ بزرگ برای این تیم گذاشته! حتی می‌دانسته کارش چقدر غیرمتعارف و نامعمول بوده که ترجیح داده از ترسش به کیش برود و یک هفته خودش را پنهان کند. حالا باید از او پرسید پس چرا بعد از مدتی تازه فهمیدی قضیه جدی است؟ اصلا با خودت چندچندی استاد؟ او در ادامه همین مصاحبه گفته: «من ذاتا استقلالی هستم. من در سال ۸۵